



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۳/۲۲



محمد داؤد مومند

## شاه محمود خان غازی



قسمت چهارم

قابل یاد آوری است که با صدارت سردار صاحب داؤد، نه تنها رهایی زندانیان سابقه به تعویق افتاد و رها نشدند بلکه اعضا حرکت ویش زلمیان نیز به صفوف زندانیان پیوستند و هم چنان کودتای سرطانی حسن چپ معروف به حسن شرق، فراری غرب، فردای دهه دیموکراسی را که ملت به انتظارش بود و شخصیت نبوغی کشور محمد موسی شفیق در راه تحقق دوامدار آن قدم های عالمانه و داهیهانه بر میداشت، با همکاری و مساعدت یاران پرچمی و خلقی خود، با خاک یکسان ساخت.

چنانکه چند سال قبل داکتر صاحب سید عبدالله کاظم با نظر عالمانه و فاضلانه و واقع بینانه شان، در زمینه کارتحقیق کودتای ۲۶ سرطان ارشاد میفرمایند: «شوروی ها بعد از آمدن شفیق متوجه شدند که افغانستان از زیر نفوذ شوروی بعد از سی سال زحمات آنان خارج خواهد شد و تصمیم گرفتند که نظام شاهی و شفیق را از بین ببرند و برای دور اول خود، یعنی دوره انتقالی، داؤد خان را برای زعامت ترجیح دادند و مطرح ساختند.»

عمر دی دیر شه داکتر صاحب کاظم، پدی حق ویلو او حق لیکلو.

بمنظور شناخت بهتر شخصیت شاه محمود خان غازی مطالبی را از کتاب داکتر صاحب کاظم ذیلاً به عرض میرسانم: «هاشم خان زمانیکه محمد نادر خان در عصر امانی به پاریس مقرر شد هاشم خان سفیر مسکو بود... سفارت را ترک نموده و در پاریس با نادر خان یکجا میشود، شاه ولی خان نیز با برادر خود پیوست، در حالیکه شاه محمود خان غازی در آنوقت با شاه امان الله صادقانه به همکاری خود ادامه میدهد.»

داکتر صاحب کاظم از زبان مجروح مینویسد: «سپهسالار شاه محمود خان مثل برادر خود خشونت مزاج و عصبانیت نداشت، شخص مؤدب و خوش مشرب و با طبقات مختلف آمیزش کرده میتوانست...»

داکتر صاحب کاظم در یک قسمت دیگر کتاب خود مطلب جالبی را درج نموده است و مینویسد: «زابلی به حیث یک شخصیت با نفوذ و متشبه مشهور اقتصادی... در کابینه هاشم خان به حیث وزیر تجارت و در کابینه شاه محمود خان نیز برای مدت چهار سال به حیث وزیر اقتصاد ملی ایفا وظیفه نمود.»

زابلی در ایجاد و تأسیس حزب دیمکرات ملی مسمی به کلوپ ملی با داؤد خان همکار و همفکر بود، ولی شاه محمود خان با تشکیل این کلوپ سخت مخالفت میکرد. در نتیجه روابط شاه محمود خان با داؤد و زابلی برهم خورد و داؤد از وزارت حربیه و زابلی از وزارت اقتصاد استعفی دادند.

خلیلی در کتاب یاد داشت ها.. شرح بر خورد شاه محمود خان و زابلی را چنین توضیح میدهد: روزی در مجلس وزرا شاه محمود خان روی خود را بطرف زابلی دور داده، برعکس معمول او را به نام، خطاب کرد و گفت، عبدالمجید! من برای رحیم معاون بلدیه هزار دالر امر داده بودم که برای تداوی خود به خارج برود، چرا فرمان مرا مسترد کردید و پول برایش ندادید؟

مجید خان به کمال جسارت جواب داد، خوب کردم که فرمان شما را مسترد کردم! من مسترد نکرده ام، بلکه شورای عالی بانک آن را مسترد کرده است. شاه محمود خان گفت وقتی تو حق داری برای زن خود در امریکا هر ماه پول گراف روان کنی، من حق ندارم به یک مامور حکومت که برای تداوی میرود هزار دالر بدهم؟

زابلی در جواب گفت: تو چرا به زلمی پسر خود پول میفرستی خلاصه وضع برهم خورد.....»

خلیلی مینویسد که: شاه محمود خان برایش گفت که میداند اینکار از جاهای دیگر آب میخورد و آن را حواله به دو برادر زاده خود یعنی داؤد و نعیم کرد و افزود شاه با لطف و احترام زیاد از من خواهش نمود تا زابلی را غفو کنم، بعداً زابلی نزد شاه محمود خان آمده معذرت خواست. شاه محمود خان این جسارت زابلی را مورد اغماض قرار داده و از عکس العمل شدید در بابر او اجتناب ورزید.

عرض درین جاست که آیا ممکن بود زابلی در برابر سردار محمد هاشم خان یا سردار داؤد خان نیز همچو عکس العملی از خود نشان بدهد؟

## این خیال است و محال است و جنون

استاد الفت به ارتباط دوره صدارت شاه محمود خان غازی در یک بیت خود میگوید:

خفه یم په مشرانو چی کشران لوبی کوی

دا خلک نن سبا په والا شان لوبی کوی

به نظر نگارنده این سطور یعنی محمد داؤد مومند هدف اصلی تشکل کلوپ ملی که ظاهراً اهداف مترقی و دیمکراتیک داشت و در کنار یک عده عناصر ملی مانند سید شمس الدین مجروح، زابلی و غیره عناصر چپگرا مانند حسن چپ معروف به شرق و بیرک و دیگران قرار داشتند؛ تخریب دیموکراسی اول و ناکام ساختن حکومت معتدل شاه محمود خان غازی بود و بس.

داکتر صاحب کاظم به استناد داکتر داور در مورد مینویسد:

«زمانیکه هنوز سردار داود عهده دار وزارت های دفاع و داخله بود، اراده داشت تا در عوض سردار شاه محمود غازی به مقام صدارت نایل گردد.

در جمله تپ و تلاش های که برای رسیدن به هدفش مینمود، یکی تأسیس کلوپ ملی میباشد... حسن شرق مؤظف گردید بود تا محصلین پوهنتون را از طریق یک نوع انجمن و یا جمعیت به حمایت سردار داود و شمولیت آن سازمان حزبی جلب نماید. ختم»

چنانکه بعد از انتصاب وی از طرف شاه به حیث صدراعظم، آرزوهای کذایی دیرینه و نیک ترقی خواهی و تحول که صرف در یک مقطع زمانی و در احوال و شرایط خاص و منظور کاملاً اقتصادی که همانا تحت فشار دادن کاکای ناسکه خودشاه محمود خان، که از او نفرت فراوان داشت و رسیدن به مقام صدارت در اجندای خطوط اساسی کلوپ ملی قرار داشت، بی لزوم پنداشته شده چنانکه در جواب تذکار صادقانه یکی از اعضا برجسته کلوپ ملی یعنی سید شمس الدین مجروح که باید با استفاده از قدرت حکومتی به تطبیق و تعمیل آرزو های کلوپ ملی اقدام به عمل آید، کاملاً طفره رفته و آن را به آینده موکول مینماید.

چنانکه دیده شد، با تکیه زدن به چوکی صدارت، نه تنها آن وعده و آرزو های کذایی ترقی خواهانه به زباله دان تاریخ سپرده شد بلکه کمر به اضمحلال حرکت ترقی خواهانه و پیش زلمیان که اشتباهاً به نام «جوانان بیدار» نیز ترجمه شده است، پرداخت و اعضا برجسته آن را زندانی و تبعید نمود، و هم چنان فامیل لوی خان میر زمان خان کنری را به گناه دوستی با امان الله غازی بعد از دوره مشقت زندان به هرات تبعید نمود.

سردار صاحب به حیث قهرمان بزرگ تخریب دیموکراسی ها، بار دوم نیز به تخریب دهه دیکراسی و ارزش های دیمکراتیک قانون اساسی سال ۱۹۶۴ پرداخت.

داکتر صاحب کاظم به استناد نوشته محمد صدیق فرهنگ مینویسد:

«در سال ۱۹۵۱ یک نفر به نام حسن شرق از جمعیت اتحادیه آزادی پشتونستان، دوکتور محمودی را که در شوری علیه محمد داود خان سخن رانی نموده بود اختطاف کرده میخواست از بین ببرد، اما موفق نشد و محمودی نجات یافت.»

داکتر صاحب کاظم در زمینه دوام داده و مینویسد که: «حمید مبارز که یکی از همکاران نزدیک داکتر محمودی بود، عامل یا عاملان این سوءقصد را کسانی میداند که گویا مخالف دیموکراسی بودند و چون موثر مورد استفاده به جنرال فیض محمد سر یاور شاه (فیض محمد که آدم مستبدی بود در دوره صدارت داود خان به حیث نایب الحکومه و قوماندان عسکری آن ولا مقرر و در تذلیل و تضعیف خانواده وطن پرست بزرگ، لوی ببرک خان خدران، از هیچ نوع بی مبالاتی خود داری نورزید-مومند) تعلق داشت و در همان روز در جاده میوند به سرقت رفته بود، میخواستند که از یکطرف داکتر محمودی را از بین ببرند و از طرف دیگر پای نزدیکان شاه را در میان بکشند و روشنفکران را علیه شاه تحریک نمایند و شاه مجبور شود که از دمکراسی دست بردارد و حکومت شاه محمود خان را به دلیل ضعف اداره سقط سازند و زمینه برای به قدرت رساندن سردار محمد داود فراهم شود.»

داکتر صاحب کاظم شک و تردید خود را در زمینه، با مدعیات فوق الذکر ابراز نموده و دلایلی در رد آن نگاشته اند.

داکتر صاحب کاظم به استناد نوشته غبار در مورد اولین اتحادیه محصلان در زمان شاه محمود خان غازی مینویسد: «بزودی کمیته اجرایی اتحادیه محصلین به دو دسته چپ و راست منقسم شد.

جناح راست به طرفداری از صدر اعظم شاه محمود خان عبارت بودند از: محمد اسحق عثمان، توریالی عثمان، احمد کبیر سراج، کبیرالله سراج، سردار حفیظ الله، عبدالبصیر حکیمی، فقیر محمد مهمند، سید محمد میوند، عزت الله مجددی، محمد شعیب، محمد عیسی، محمد عظیم صابر کاظمی.

گروپ دومی طرفداران سردار محمد داود خان وزیر دفاع شامل: دکتور محمد حسن شرق، بیرک کارمل، شاه محمد دوست، نعمت الله پژواک، عبدالواحد رفیقی و غیره بودند.

داود خان که خواهان گرفتن صدارت از عمش بود قبلاً حزبی را به سرمایه و حمایت مالی زابلی، به نام حزب دیمکراتیک ملی مشهور به کلپ ملی هم تشکیل داده بودند.»

میر غلام غبار در یک قسمت دیگر مینویسد: «در طی جنبش های سیاسی که در کشور به عمل آمد، محصلین «یونیورستی» کابل حصه فعالی گرفتند.»

(میر غلام غبار که آدم متعصب و بد بین زبان ملی اکثریتی پشتون تباران کشور بود، در جمله فوق الذکر به جای کلمه مبارک «پوهنتون» از کلمه انگریزی یونیورستی کار میگیرد، اما حد اقل برخلاف بردگان فرهنگ ایران، از استعمال نام دانشگاه، اجتناب میورزد-مومند.)

یکی از شاهکارهای بزرگ سیاسی شاه محمود خان غازی، بعد از شهادت غازی محمد نادر خان، بیعت فوری شان، به محمد ظاهر شاه، در حالی بود، که سردار هاشم خان در صفحات شمال کشور بودند، ورنه محمد هاشم خان با غصب قدرت مادام الحیات شاه مملکت میبود.

شاه محمود خان غازی بعد از مدت هفت سال و چند ماه، به امر پادشاه افغانستان از وظیفه صدارت معزول گردید، گرچه شاه محمود خان گفت که من تاج بخش هستم، ولی شاه تحت فشار آغه لاله خود سردار داؤد خان، کاکای سکه و تاج بخش خود را مجبور ساخت که به ترک وظیفه بپردازد.

روایت استاد خلیلی در کتاب داکتر صاحب کاظم، به این ارتباط خیلی جالب است، مراجعه شود به کتاب داکتر صاحب عبدالله کاظم.

گفته اند:

## گر بریزی بحر را در کوزه ای چند گنجد قسمت یک روزه ای

من درین مقاله تلاش بعمل آوردم، که یک قسمت بسیار کوچک مطالب کتاب قطور داکتر صاحب کاظم را با اجمال و اختصار ممکن، منعکس سازم.

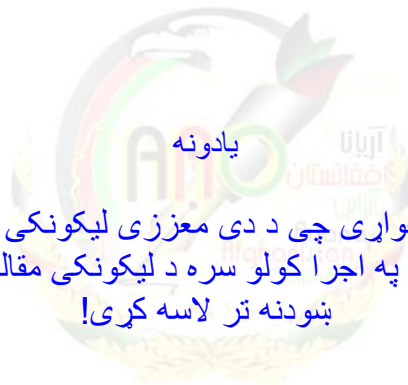
داکتر صاحب کاظم با نوشتن این کتاب خدمت بزرگی را انجام داده اند.

این کتاب برای کسانی که به تاریخ معاصر کشور و شخصیت های بزرگ دوران زندگانی ما، مانند شاه محمود خان غازی علاقه مند باشند، در نوع خود بی نظیر بوده، دستیابی و مطالعه این کتاب به هر لحاظ قابل سفارش میباشد. در اخیر از اشتباهات و اغلاط محتمل مادی و معنوی، مضمراً در این نوشته، طلب آمرزش می نمایم.  
با عرض حرمت

## قسمت چهارم و اخیر

\*\*\*\*\*

قسمت اول ، دوم و سوم این نوشته عالی را با کلیک بر لینک های آتی مطالعه فرمائید:  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D\\_momand\\_shah\\_mahmood\\_khan\\_۱.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D_momand_shah_mahmood_khan_۱.pdf)  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D\\_momand\\_shah\\_mahmood\\_khan\\_۲.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D_momand_shah_mahmood_khan_۲.pdf)  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D\\_momand\\_shah\\_mahmood\\_khan\\_۳.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D_momand_shah_mahmood_khan_۳.pdf)



که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخوور باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کری!

شاه محمود خان غازی (قسمت چهارم)

D\_momand\_shah\_mahmood\_khan\_۴.pdf